



۲۰۱۳/۱۱/۰۹

دوکتور ص س سعید افغاني

انتخابات و تابعیت دوگانه

با در نظر داشت تجارب تلخ، بد و نامیمون گذشته و در زمان حاضر بنا بر بر سوء استفاده و استعمال غلط اقتصاد بازار آزاد، استفاده سوء و ناجایز از دیموکراسی و استعمال نابکار و فریبنده انستیتوت های دیموکراسی و از جمله سوء استفاده از انتخابات مانند وسیله در دست گروه مخصوص زورمند حاکمیت های دیسانت شده و تحمیل شده، همراه با تخلفات عدید ۱۳ ساله حکام حاضر و اکثریت حاکمیت های قبلی ازین اصطلاحات و مفاهیم و با در نظر داشت تجارب منفی، دستبردها و تخلفات صریح در انتخابات ریاست جمهوری گذشته افغانستان و بلاخره محدودیت های تخنیکی و ظرفیتی ناشی از سیاست کدري خطا و عملاً زمینه ساز برای تقلب، نبودن کارت هویت (تذکره)، عدم موجودیت امنیت و تهدید های متعدد گروپ های مافیایی حاکم، همسایه های طماع و ظالم، مسلط نبودن حاکمیت قانون و... همه و همه عواملی اند که متأسفانه مردم ما را به انتخابات سال ۱۳۹۳ افغانستان نیز بی باور ساخته و این بی باوری با عمل کردهای روزمره حاکمیت، افشا شدن زد و بند های موجود بین افراد مسلط بر امور انتخاباتی با حاکمیت و زورمندان گماشته حاکمیت بر انتخابات، وضع را متشنج ساخته و تمام شواهد و قراین نشان میدهد که این حالت نامطلوب عمق و بُعد وسیعتر را به خود خواهد گرفت.

بر علاوه بکار گیری وسایل مستقیم دولتی مانند ادارات تکس و مالیه و وسایل تبلیغاتی، میدیا و بدنام سازی افراد و اشخاص که باب دندان زورمندان نیستند و درحالت ما بیشتر شدت گیری بحث عدالت انتقالی و سوء استفاده از آن و سوء استفاده از خواست برحق وارثان قربانیانی که در ۱۳ سال گذشته بنا بر عدم منفعت شخصی زورمندان و حاکمیت تطبیق نشد، پارلمان افغانستان به صورت صریح از اصول عام قبول شده ای حقوقی حتی حقوق العبد اشخاص ثالث را هم به متخلفین بخشیدند و به عدالت توجه نشد. اما حالا ازین وسیله کار مؤثر ناجوانمردانه استفاده صورت خواهد گرفت.

دراثر این وضع مسلماً نبض جامعه و تشنجات در آن شدت گرفته و حالات غیر قابل پیش بینی را باخود خواهد داشت. حاکمیت برای رسیدن به اهداف خویش و از جمله بقا در قدرت به نحو دیگری از وسایل و ذرایع زیادی دست اول، دوم و چینل های متعددی استفاده خواهد کرد تا این ذرایع و وسایل نامشروع را برای سرکوب و تحت فشار قرار دادن، تسلیمی و حتی نفی حریف با استفاده از همه ساختار های حاکمیت، امکانات دولتی و مادی فراوانیکه خاصاً در ۱۳ سال اخیر جمع کردند، استفاده برده و تقلت و تخلف حاکمیت ابعاد دیگر پیدا خواهد کرد. مسلم این است که مردم و ملت حق دارند که بخاطر تخلفات، حق تلفی ها و جنایات که بحق شان شده، گریبان کسانی را محکم بگیرند و عدالت خواهی نمایند که در حاکمیت بودند. این حق ملت است. اما درین راستا، دید و بررسی گذشته ضرورت است تا مسوولیت های اخلاقی، ایمانی، وجدانی، سیاسی، جنایی و جزایی، تفکیک شده و از یکسره سازی و به این ترتیب آسان سازی که تأثیرات بس معکوس منفی (کنتراپروڈکتیف) خواهد داشت، جلوگیری شده و از سوء استفاده سیاسی و خاصاً بکار گیری آن در آستانه انتخابات قریب الوقوع در افغانستان باید جلوگیری شود. عدم دقت لازم جداً مضر و چنانچه گفتیم منجر به نتایج معکوس خواهد داشت و مانند همیشه توسط مکاران قدرت استفاده سوء خواهد شد.

بلی فراموش کردن گذشته خیانت به خون شهدای گلگون کفن است. اما در تأمین عدالت به انتقام تمرکز کردن، همه را که در یک عصر و یا بنا بر عوامل مختلف در یک لیست بودند، توهین و تحقیر کردن، عدم برخورد حساس به این مسأله حساس، ممکن است و ما از همچو آسان سازی های تجارب بد داریم و مسلماً چنانچه گفته آمدیم جداً مضر، غیر عادلانه و نتایج معکوس خواهد داشت.

وسایل تأکید بر ظاهر متون قوانین نابکار موجود افغانی و تطبیق آن مطابق به تفسیر زورمندان حاکم و تأکیدات به اندیشه های افغانیزه ساختن بیشتر بر مسایل کشور به نحو افراطی، بازی به احساسات مردم به نحوی که افغانستان را به جزیره جدا از دنیای امروز مبدل سازند و به شکل منفی ازین حالت استفاده نمایند، شدت داده خواهد شد. به این ترتیب آنهاییکه بر کشور و بر شانه های ملت به زور همین خارجی ها نصب و تحمیل شدند، به عدالت انتقالی اصلاً اعتنایی نداشتند و آنرا ضرورت نمی پنداشتند، از ملت دفاع کرده نتوانستند و مخالف به بمباردمان های کور و

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

کر در ارتباط از بین رفتن محبوبیت حاکمیت شان مطرح کردند درین روزها روز به روز، تا زمان ختم انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ در افغانستان، دامن خواهند زد و آنرا بیشتر متشنج و مورد سوء استفاده قرار خواهند داد. مسأله تابعیت دوگانه کاندیدان ریاست جمهوری هم یکی از مطالبی است که مورد دقت و قابل سوء استفاده است. شواهد نشان میدهد که مراجع قانون گذاری افغانی و کمیسیون مستقل انتخابات حال نتوانسته اند در تحقق عادلانه تحقق اراده ملت با قوانین خوب و تطبیق این قوانین به صورت احسن و به نفع ملت ما کار مؤثر بدارند. ضرورت به تأکید میدانم که یکی از تفاوت ها بین انسان ها و سایر حیوانات درین است که انسان ها تجارب و خاصاً تجارب نیک خویش را باید به نسل های بعدی و یکدیگر انتقال داده و با عقل سلیم و سازنده از تجارب اندوخته بشری بدون پیشداوری و تعصب، با در نظر داشت شرایط خاص جوامع مختلف مورد استفاده قرار دهد. به این ترتیب اشیا و روش های مفید و درست اختراع شده و تجربه شده باز به اختراع و تجربه ضرورت ندارند. درین راستا هست مواردی که در کشور ما از قوانین و روش هایی استفاده میکنند که به صورت واضح نشان میدهد که عوض حل راستین، درست و مطابق ارزش های جدید و با محتوی نسخه و روش و آنهم به موقع مسایل و مطالب مطروحه به ذوق خاص، سلیقه ها، منافع شخصی افراد و اشخاص قدرتمند اعتنا و اهتمام بیشتر صورت گرفته و سبب ادامه و طویل شدن رنج، عذاب و تراژیدی این ملت مجاهد و با شهامت شده و در مواردی از احساسات نیک، افغانی و پاک مردم توسط این زورمندان و شخصیت های کاذب سوء استفاده میشود. چنانچه گفته آمدیم استفاده افزاری از دیموکراسی و انستیتوت های آن در ۱۳ سال گذشته، عدم تطبیق قانون به شمول قانون اساسی نافذ کشور، تعویض کردن قانون و صلاحیت مراجع قضایی و قانون گذاری توسط مراجع اجرائیوی، عدم تطبیق درست اقتصاد بازار آزاد یعنی باوجود نبودن ظرفیت های رقابت آزاد برای ایجاد آن کار نشده و به این ترتیب عدم استفاده از اقتصاد مختلط به حیث وسیله برای رسیدن به اقتصاد بازار آزاد راستین کار گرفته نشده، یکسره و در عمل به اساس تعیین کننده عرضه و تقاضا کار صورت گرفته، ادارات و ساختار های دفاع از مستهلکین به مساعدت دولت ایجاد و یا به طور درست فعال نشده، تسلط حلقات مافیایی بر بخش های معین اقتصاد کشور و حد اقل گرفتن حق السکوت های بزرگ برای تخلفات مالی عملاً رواج و عملی گردیده و رنه چطور شرکت سوپریم با بیش از ۴ میلیارد باقیداری هنوز هم به صورت نورمال در افغانستان به گشت و گذار و فعالیت تجارتي می پردازد. ماست مالی کردن دزدی های اختلاس ها در کابل بانک و از جمله خریداری شرکت هوایی در مقابل بخش کوچکی از باقیداری های این بانک به ۴ برابر قیمت بازار این شرکت نشانه های مشخص از حاکمیت روابط مافیایی مسلط بر کشور ما و اقتصاد آن است. سیاست کدري غلط و متکی بر روابط جیبی، شخصی، فامیلی و استخبارات اجنبی و بلاخره استفاده افزاری و غیر قانونی، تقلبی و منحرف از مفاهیم لویه جرگه، مصالحه سیاسی و دیموکراسی، تخطی های صریح از اصول دولت داری مدرن و صدها عامل دیگر که به این حاکمیت و تقصیر و تخلف صریح ایشان از تمامی موازین قبول شده است، بر میگردد. این حاکمیت از اتباع خویش دفاع کرده نتوانست و قبل از دفاع اتباع خویش بر بقاء و تداوم خویش در قدرت الویت داد. دولت در حل مسایل فهم لازم مسلکی نداشته، در مسایل قبل از همه به منافع منحرف و منحن قومی و منطقوی تمرکز نموده و مسایل را جهت داده، و به این ترتیب عامل بن بست، رکود، تراژیدی و ادامه تراژیدی در کشور ما گردیده. مشکل زمانی بیشتر می شود که با دیده درایی عده ای از عاملین و مجریان این سیاست ها خود را بری الذمه تلقی نموده، به تبلیغات دروغین پرداخته و تصور می کنند که خواننده و شنونده گوسفند وار آنرا قبول خواهد کرد. به اطمینان گفته می توان که سطح فهم سیاسی و درک ملت ما بلند است، تجارب زیادی اندوخته اند و فریب چنین دروغ های شاخدار را نخواهند خورد. مسلم که موقعیت جغرافیایی افغانستان، همسایه های طماع و قوی، ترکیب اتنیک و به تاسی از آن در خدمت قرار دادن این حالت توسط همسایه ها به نفع شان، فقدان رهبری و نابود سازی شخصیت های ملی و مردمی توسط همسایگان مکار، فتنه گر و ظالم، متعهد بودن بخشی از زمامداران و شخصیت های مطرح به منافع و مصالح خارجی ها و کسانی که از ایشان شخصیت؟! و افراد مطرح در افغانستان ساختند، مطالب اند نیز قابل درک و تأثیر در جریانات و حالت موجود در کشور ما افغانستان. اما در مجموع عامل و فکتور داخلی و حاکمیت بی کفایت و غیر مشروع به این تراژید و ادامه آن عملاً مساعدت و کمک کرده که

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در نتیجه این وضع که منجر به مصارف مادی و معنوی بیش از حد شده و فرصت های غیر قابل تکرار وقت در ۱۳ سال گذشته به هدر داده شد. مثال های این تخلفات در کشور ما آنقدر مشهود اند که ایجاب ساعتها بحث و نوشته را می نماید.

مسأله انتخابات و رفتن به انتخابات به حیث یک وجبیه و یا هم امر اخلاقی و غیر وجبوی مسایل و دیدگاه هایی اند که تدابیر بعدی مسأله و یاهم در صورت وجبیه بودن، میکانیزم پیگرد مطرح می شود.

در صورتیکه رفتن به انتخابات بیشتر موضوع غیر وجبوی است و پیگرد در پی ندارد، خاصاً در مرحله اول کسب صد هزار رأی، درین صورت ضرورت بود که میکانیزم تشویقی و مشوق مالی که به سهم فیصدی کم انتخاب کنند و سهم فیصدی زیاد دولت ارتباط میداشت، تدبیری صورت میگرفت. چنین امر در مسایل انتخاب سرتاسری نیز مطرح است که باید و باید راه های عملی مشوق اشتراک در انتخابات پیش بینی شود. وضع و حل موجود حل درست و کاری نیست و عواقب خوب دربر ندارد.

انتخابات و تابعیت دوگانه کاندید نیز مسأله قابل ایجاد مشکل است که بصورت درست در قانون حل نشده و هدف خوب را عملاً دنبال نمی کند.

افغانها بنا بر مجبوریتهایی وادار به مسافرت و هجرت شدند. درین حالت عده زیاد شان برای جوانب عملی زندگی سفر مجبور به گرفتن اوراق و اسناد کشور های مختلف جهان شدند. قبل از بدست آوردن این اسناد سفر مسأله تابعیت، تعهدات وفاداری به منافع کشور مهمان و محل سکونت جدید و محل اقامت مطرح بود و در زمینه تعهدات وجود داشت. به این ترتیب قابل درک است که در صورت تعهد این مهاجر به کشور ثالث و در صورت تقابل مصالح این کشور با مصالح کشور ما مشکل ایجاد شده و باید ازین تعهدات در برابر کشور ثالث منصرف شود. اما این کار در عمل مشکلات فنی و تخنیکی خویش را داشت و دارد.

در کشور های جهان حین انتخاب و انتصاب اشخاص در ارگانهای امنیتی و حساس دست اول دولتی باید تابعیت دوگانه را از دست بدهد اما بعضی کشور های جهان در صورتی که کاندید دارای تابعیت کشور های دارای اتوریته بزرگ سیاسی اند، در عمل چندان به تابعیت دوم کاندید توجه نمی کنند.

بهر صورت به نظر من چنانچه میدانیم بسیاری از مسؤولین امور دست اول کشور به شمول افراد مصروف در پست های بس حساس امنیتی و اقتصادی کشور، همین حالا پاسپورت ها و اسناد سفر خارجی داشتند و دارند. به هیچ صورت قبول کرده نمیتوانم که رئیس جمهور برحال کشور با مدت های زندگی و کار در امریکا اسناد تابعیت امریکایی نداشته باشد. اما مهم اینست که کسی از ایشان خبر دارد و یا کسی آنرا بالای شان ثابت کرده می تواند و یا نه و یا هم کشور های خارجی درین زمینه توجه و مساعدت میکنند و یا خیر؟

درین راستا مشکلات جدی ازین قرار است که بدست آوردن تابعیت کشور خارجی و واپس سپردن آن ایجاب یک پروسه و مراسم طویل و عریض دارند. همینکه شخص اسناد خویش و درخواست سلب تابعیت خویش را به سفارت مربوطه تسلیم داد، موجب سلب تابعیت نمی شود و سفارتخانه ها نیز صلاحیت سلب تابعیت را ندارند.

با در نظر داشت وضع کشور ما که تعداد کاندیدان تا آخرین لحظات نمی دانند شرایط کاندید بودن برای شان مهیا خواهد شد و یا نه و درین گیرودار چطور مسأله تابعیت را به زودی حل خواهند کرد؟ مسایلی اند از لحاظ عملی که حل مناسب و به موقع در عمل واقعاً مشکل ساز بوده و تدبیر حاضر راه حل درست نیست.

از جانب دیگر اگر کسی مثلاً تابعیت پاکستان را داشت و حین کاندید شدن شخص، دولت پاکستان از وی عمداً سلب تابعیت نکند و یا کشوری به درخواست سلب تابعیت کاندید اعتنای نکند درین صورت تکلیف کاندید چه خواهد شد؟ به این ترتیب ما خود کاندید را وابستگی و محتاج به دولت خارجی ساخته و کاندید را مجبور اراده و رضای کشور سوم و ثالث مرتبط ساختیم که به این گونه وابسته ساختن عمدی شخص کاندید به همکاری کشور ثالث است. لذا این طرز برخورد به مسأله و حل مذکور نادرست، مجبور ساختن به غلطی، فریب و فتنه است.

راه حل طرح من در شرایط موجود به نحوی که تخطی از قانون نیز نیست: کاندید اعتراف و سوگند در نزد محکمه یاد نماید و اسناد تحریری ارایه کند که تابعیت و یا اسناد سفر این و یا آن کشور و یا اسناد سفرش را با تعهدات و مراسم و یا بدون تعهدات و مراسم مربوط بدست آورده بودم و اقرار بدارد که درخواست سلب تابعیت این و یا آن کشور را به سفارت مربوط تحریری تسلیم نموده درخواست سلب تابعیت خویش را همراه با پاسپورت خویش به ایشان سپرده و سند تحریری این اقدام را نیز از سفارت و مراجع دولت خارجی مذکور بدست آورده، درعین حال اقرار تعهد میدارم که به منافع و مصالح کشور و مردم خویش افغان ها و افغانستان در برابر منافع و مصالح هیچ کشور جهان به شمول کشور مطبوع قبلی، تقدّم قابل نشده و نخواهد شد. این تعهد و تحلیف به معنی سلب تابعیت من

از جانب من است که از بعد از اجراءت و تصامیم مراجع کشور ثالث در اسرع وقت نیز اسناد به محکمہ و یا کمیسیون مربوطه را خواهد سپرد. همچنان اگر کشور ثالث همکاری نمی کند نیز معلومات تحریر در ظرف مدت ماه تحریری و قابل نشر در مطبوعات، داده خواهد شد. این سند که در قوانین کشور های جهان نیز مورد استعمال به نحوی است که محکمہ اقرار شخص را مانند سند قبول کرده می تواند، و اصل پاکی است تا زمانیکه چیزی مخالف ثابت ساخته شود و از لحاظ منافع کشور و بلاخره حل بهتر است درین مرحله. راه های دیگر و حل موجود در پیش گرفته شده به فهم من عواقب و نتایج مستقیم و غیر مستقیم ناگوار را با خود دارد که به هیچ وجه به همان هدف نیک و مثبت قانون گذار مساعدت نخواهد کرد و نمی کند.

راه های دیگر موجود منجر به تقلب و تخلف های زیادی ناخوش آیند خواهد شد و درست نمی باشند. بکار گیری راه های حل خردمندانه ایجاب وسعت نظر و عبور از مرز های غیر عقلانی و غیر منطقی را نموده و با اولویت دادن منافع و مصالح کشور و مردم ما بدون پیشداوری و تعصب ممکن است. حاکمیت و حلقات مافیایی حاکم می توانند وضع را بیشتر بحرانی ساخته و یا هم در امر خیر مساعدت خیر بدارند. با وجود اینکه در سیاست منافع است و مصالح، امید است درین راستا منافع و مصالح ملت و کشور ما برای تمام افغان های های خیر خواه در اساس برنامه های کاری شان قرار گرفته با پیگیری تام درین راستا دست به دست هم داده مساعدت خیر از تنویر گرفته تا تجویز و عمل خیر و تأیید خیر و در پیش گیری راه درست به نفع ملت و کشور ما پرداخته و در پایان دادن به تراژیدی ملت ما ممد، همکار و مجری خیر شوند.

پایان

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ